

و اینهم آزادی بیان !

✱ منظور از آزادی بیان چیست ؟

✱ تذکرات لازم بعضی جراید دینی

✱ يك نویسنده هتاك و دریده !

✱ جلب توجه اولیاء امور بچند ماده از قانون مطبوعات

لابد سمر مقاله این شماره را در باره «آزادی» مطالعه فرمودید همانطور که در آنجا توضیح داده شده آزادی مطلق در اجتماعات انسانی ابداً مفهومی ندارد؛ هر چه هست آزادی محدود و مشروط است.

بنابر این هر وقت سخن از «آزادی بیان» که یکی از شعب آزادی است بمیان میآید حتماً منظور این نیست که هر بی سروپایی در ملاء عام چشمش را بسته و دهانش را باز کند و هر چه خواست بگوید، یا هر کس مختصر سواد فارسی داشت و کاغذ و قلمی بدستش افتاد هر چه میل مبارکش بود بنویسد و نشر کند. گمان نمیکنیم هیچکس طرفدار چنین آزادی بیانی باشد و نه چنین چیزی میتواند ضامن سعادت يك جمعیت بامؤثر در پیشرفت آن باشد.

لذا در تمام دنیا برای سخنرانیهای عمومی، و از آن بالاتر برای مطبوعات قیود و شرائط زیادی قائلمند؛ و هر يك برای خود مقررات طویل و عریضی بنام «قانون مطبوعات» دارند. در این قوانین برای سر پرست روزنامه یا مجله صلاحیت علمی و اخلاقی و مالی لازم دانسته شده، همچنین برای مندرجات مطبوعات شرائط و مقررات زیادی که میتوان آنها را در جمله «حفظ مصالح اجتماع» خلاصه کرد پیش بینی شده است. حالا تا چه اندازه این قوانین اجرا میشود؟ آن مطلب دیگری است.

✱ ✱ ✱

در اینجا «ضمناً» لازم است این نکته را یاد آور شویم که یکی از جراید دینی تهران

مدتی است که باتکاه همین موضوع «آزادی بیان» بحث‌هایی راعنوان کرده و مسائل مهم و پیچیده مذهبی را از قبیل «حکم جهاد در زمان غیبت» و «نماز جمعه» و . . . که بحث در آنها فقط درخور اهل فن و متخصصین در رشته های مختلف علوم دینی است، در دست و پای افراد غیر صلاحیت داری انداخته و بگمان خود از این راه کمک بروشن شدن حقایق اسلامی کرده است!

این موضوع علاوه بر اینکه مشکلی را حل نکرده (و مسلماً نخواهد کرد) باعث شده که صفحات ذقیمت جریده مزبور میدان تاخت و تاز قلمی افرادی که هم خودشان؛ و هم دیگران معترف بعدم صلاحیت آنها بوده اند؛ شود، و بالتسبیح منجر بشکاف و بدبینی تازه ای میان علاقه مندان بدین و مذهب گردد و جارو جنجال تازه ای راه یافند و در این موقعی که ضربات شکننده دشمنان، از هر طرف بر پایه عقائد و احکام و اخلاق دینی وارد میشود دینداران هم بجان یکدیگر بیفتند، و از بیگانه بخود مشغول باشند. حتی شرکت چند نفر از دانشمندان و اهل فضل در جواب دادن از آن اشکالات هم از سوء تأثیر اینگونه بحثها چندان نکاست.

آزادی بیان صحیح است، اما نه باین معنی که یک نفر بر زرگر که با اعتراف خودش شغلش بیل بدست گرفتن و دردهات زراعت کردن است نه استاد دیده و نه در دانشگاههای دینی تحصیل کرده و در نوشته هایش «زکریای رازی» (طیب معروف) را یکی از روحانیین بزرگ عالم اسلام معرفی کرده؛ درباره مسائل پیچیده مذهبی قلمفرسایی کند. البته این شخص و امثال او مسلمانند و از این نظر محترم، اما احترام آنها دلیل بر این نیست که در موضوعاتی که از صلاحیت آنها خارج است اظهار نظر کنند.

امروز در همه دنیا اگر یک نفر که صلاحیت و اجازه طبابت را ندارد یک نسخه برای بیماری بنویسد فوراً تحت تعقیب قانونی قرار میگردد؛ هر قدر هم شخصیت اجتماعی از جهات دیگر داشته باشد، زیرا این عمل ممکن است بقیمت جان (یا لااقل سلامت تن) آن بیمار تمام شود تا چه رسد باینکه بخوهد آنرا در معرض افکار عموم قرار دهد و افراد زیادی را از این رهگذر بخطر اندازد؛ بقییده ما دخالت افراد فاقد صلاحیت در مسائل مهم مذهبی از آنها خطرناکتر است زیرا بقیمت گمراهی و انحراف افراد ساده دلی ممکن است تمام شود.

سابقاً حتی اجازه نمیدادند که هر نوچه و ورزشکاری وارد گود زورخانه شود ما نمیدانیم چگونه اجازه داده میشود صفحات یک روزنامه معروف جولانگاه قلم‌هایی از قبیل آنچه گفته شد قرار گیرد!

منظور اصلی از آزادی بیان اینست که دانشمندان و فضلاء (هر يك در رشته خود) آزاد باشند بیعت و تحقیق و ارشاد و تبادل نظرات بپردازند و حقایق را باین وسیله روشن کنند ؛ تازه اگر اختلاف نظری هم داشته باشند از حدود بحثهای علمی خارج نخواهد شد و بچار و چنجال نخواهد کشید و اطلاع از آن انظار مختلف هم دارای فوایدی است .

اینهم لازم بشد که است که ممکن است هر کس خود را واجد صلاحیت برای دخالت در هر موضوع بداند ، اما هیچ عقلی اجازه نمیدهد که بقول هر مدعی ترتیب اثر داده شود ؛ باید صلاحیت افراد از طرف مقامات و مراکز صلاحیت دار علمی مورد تصدیق واقع شود یا شهرت اجتماعی او در قسمت خود مستغنی از معرف دیگری باشد .

تا کنون بارها ببا اعتراض کرده اند که چرا مجله « مکتب اسلام » که صلاحیت حل و فصل اینگونه مسائل را دارد در مشاجراتی که در روزنامه مزبور در گرفته دخالت نمیکند ما معتقدیم همچنانکه طرح اینگونه بحثها (باین صورتی که ذکر شد) کار صحیحی نیست دخالت در آنهم نتیجه ای نخواهد داشت (مگر در صورتیکه احساس شود غرضی در کار است) .

البته ما مسائل مزبور را هر کدام در جای خود مطرح و نظرات دانشمندان و بزرگان را تشریح خواهیم کرد ؛ اما آنچه امروز بیش از همه چیز برای ما لازم است حسن تفاهم هر چه بیشتر در میان مسلمانان و دینداران ، و اجتناب و پرهیز از هر موضوعی که باعث تفرقه و پراکنندگی است .

امیدواریم تذکرات دوستانه ما ، در اداره کنندگان و نویسندگان آن روز نامه دینی مؤثر واقع شود تا در آینده فریب لفظ « آزادی بیان » را نخوریم و به « وظیفه » واقعی خود عمل کرده و حدود و شرائط آزادی را رعایت نمایم تا بجای حل مشکل ؛ مشکلی بر مشکلات مسلمانان نیافزاییم از این موضوع بگذریم .

✱ ✱ ✱

پك نويسنده هتاك و دريده!

از نشانه های عدم رشد يك ملت اینست که از وسائل ترقی و پیشرفت خود بر اثر سوء استفاده نتیجه معکوس میگیرند ، اجتماع امروز ما بعدا کثر باین درد مبتلاست و بقول معروف آنچه برای دیگران خورش نان است برای ما مردم بلای جان است و از جمله همین « آزادی بیان » . . . !

مجله ای در تهران منتشر میشود که نویسنده آن سابقاً یکی از سرجنابان « حزب توده » بود و با اصطلاح با سران دیگر حزب « رفیق پیاله و پیمان » بود ؛ پس از مدتی سخت با آنها

بهم زد (حالات بهم زدنش چه بود؟ خودش چیزی میگوید و در قضا؛ چیز دیگر؛ و الله اعلم) در رساله ای که بعنوان رساله «نیروی سوم» انتشار داد سیل اعتراضات را بسوی همان جمعیتی که مدتها با آنها همکاری نزدیک داشت روانه کرد؛ و عفت قلم را تا سرحد نسبتهای «اعتراف جنسی» بدوستان سابق؛ پیش برد و بعقیده خود آبرویی برای آنها باقی نگذازد؛ آنها هم او را بعنوان یک نفر مرتد حزبی شناختند و کما هو المعمول طرفین اسراری را علیه یکدیگر فاش کردند.

از آن پس نیز عمر خود را تا کنون با یک سلسله تذبذب های اجتماعی و نوسانات فکری گذرانده است. بعقیده خود در میان تضادهای سیاسی شرق و غرب راه سومی انتخاب کرده و مکتبی را غیر از آنچه رجال سیاسی کشور از آن تا کنون پیروی کرده اند پیروی مینماید ولی خط مشی و نوشته های او گواهی میدهد که بفتح کدام طرف دارد قدم میزند؛ راستی مضحک است؛ چند نفر طرفداران ابلهش او را یک متفکر اجتماعی قلمداد میکنند او هم تحت تأثیر کلمات آنها آنقدر بنخود باد کرده که با اندک معلوماتی راستی خود را یک فیلسوف بزرگ میداند و میل دارد با عقل کوچک خود در هر موضوع و هر مسأله ای دخالت کند و آسمان و زمین را بهم بیافند.

مضحکتر اینکه مدعی است که ملاک عمل او حق و حقیقت است نه فریفتن عوام؛ ولی این سخن را نیز یک راه عوام فریبی قرار داده است. شاهد این مطلب اینست که گاهی در مجله تنگین خود دم از لزوم دین و مذهب برای سعادت اجتماع میزند؛ ولی جای دیگر تمام مقدسات دینی را بیاد استهزاء میگیرد؛ و در عین حال آنقدر ترسو و فاقد شهامت است که غالباً مقالات خود را بنامهای مستماری درج میکند.

در واقع دین را بعنوان یک حقیقت مقدس آسمانی که از طرف خدای جهان آمده باشد و مقیاس عمل بشر باشد نمیخواهد؛ بلکه قوانینی میخواهد که همراه بانوسانات فکر منحرف او در نوسان باشد و هر روز با عقیده مذنب او تطبیق کند.

خودش با ولیاه امور مملکت اشکال میکند که دین واقعی اسلام غیر از دینی است که شما برای مبارزه با کمونیسم میخواهید، اما خودش در مورد روزه ماه مبارک رمضان که هر کس میداند از بدیهیات اسلام است مقلد «بورقیه» است که «تنور شکم دمبدم تافتن» را برای او امثال او تجویز فرموده است؛ و گاه اقتصاد اسلامی را (با اینکه بجزرات میتوان گفت هیچگونه اطلاع اساسی درباره آن ندارد) بتقلید دشمنان اسلام «اقتصاد شبانی» قلمداد میکند؛ اساساً نه تنها در خط مشی سیاسی و اجتماعی گرفتار انواع تناقض هاست بلکه از نظر

دین و مذهب هم معلوم نیست چکاره است آیا اصلاً دینی دارد یا نه و اگر دارد پیر و چه آئینی است ؟ .
 کرا آدم از مبارزه با استعمار میزند ، اما در جای دیگر از حکومت غاصبانه یهود
 بر سرزمین فلسطین ؛ بدون قید و شرط پشتیبانی میکند .

اخیراً مقاله ای نوشته و حملاتی بمقدسات اسلام کرده ولی در سر تا پای مقاله اش برای
 نمونه مطلبی که (ظاهراً) بوی منطق و استدلال بدهد ندارد و بجای آن در هر مورد بیک
 مشت « هزلیات خنک » قناعت کرده و بخیال خودش « بذله گویی » و « شیرین کاری قلمی »
 میکند . برنامه او گوید در این جمله خلاصه میشود : **هزلیات بجای منطق ؛ از**
نویسندگان مجلات و روزنامه گردانندگان رادیو انتقاد میکند اما خودش هم دست کمی
 از « دلقک های تأثر » ندارد .

کمان نمیکند خیلی بیش از آنچه این شخص و نوشته های او ارزش داشت صحبت کردیم
 و وقت خواننده گرامی را گرفتیم ؛ بعقیده ما اینگونه لاطائلات از این افراد بی بند و بار
 جای تمجب نیست ؛ **تعجب از اولیاء امور است که چگونه اجازه میدهند در یک**
مملکت اسلامی که مذهب رسمی آن اسلام و زمامداران آن همه پیرو این
آئین مقدسند اینگونه ورق پاره های مسموم و رسوا انتشار یابد ؛ چگونه
اجازه میدهند افرادی با این سوابق ننگین بازیگر میدان مطبوعات باشند و با
عواطف مذهبی یک جمعیت بیست ملیونی بازی کنند ؟ !

ما امیدواریم هر چه زودتر باین موضوع رسیدگی کرده و دست های ناپاک اینگونه
 افراد را که نه وطن را میشناسند و نه مذهب و مقدسات مذهب، و نه برای قانون اساسی و نه قانون
 مطبوعات احترام و ارزشی قائلند از عالم مطبوعات کوتاه کنند .



ضمناً برای توجه بیشتر اولیاء امور در مسئولیت بزرگی که در برابر ملت مسلمان این
 مملکت بمهده دارند چند ماده از مواد قانون مطبوعات را یاد آور میشویم :

ماده ۱۳ - هر کس مقاله ای مضر با اساس دین حنیف اسلام انتشار دهد به یک سال
تا سه سال حبس تأدیبی محکوم میشود .

ماده ۱۷ - هر گاه در روز نامه یا مجله و هر گونه نشریه دیگر مقالات یا مطالب توهین -
آمیز و یا افترا و یا برخلاف واقع و حقیقت، خواه بنحو انشاء یا بطور نقل ؛ بشخص اول روحانیت
و مراجع مسلم تقلید درج شود مدبر روز نامه و نویسنده ؛ هر دو مسئول و هر یک از یک سال تا سه
سال بحبس تأدیبی محکوم خواهد شد و رسیدگی باین اتهام تابع شکایت مدعی خصوصی نیست .